



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



آمنه

مادرگرامی رسول خدا ﷺ

مجموعه شاکری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زنان اسوه حضرت آمنه

نویسنده:

صدیقه شاکری

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	زنان اسوه حضرت آمنه
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۴	دبیاچه
۱۶	مقدمه
۱۶	اشاره
۱۸	آمنه مادر گرامی پیامبر اکرم (ص)
۱۸	اشاره
۱۹	پدر و مادر
۲۴	ازدواج آمنه علیها السلام
۲۴	اشاره
۲۴	الف) خواستگاری از جانب عبدالمطلب
۲۵	ب) پیشنهاد خواستگاری از جانب وهب پدر آمنه علیها السلام
۲۸	مراسم ازدواج
۲۸	اشاره
۲۹	اشراق نور پیامبر (ص) در آمنه علیها السلام
۳۲	مرتبه ایمان حضرت آمنه علیها السلام از دیدگاه شیعه
۳۶	دیدگاه اهل سنت درباره ایمان حضرت آمنه علیها السلام
۳۶	اشاره
۳۶	الف) مؤمن به دین حنیف
۳۷	ب) ایمان پس از مرگ
۳۸	ج) ایمان نداشتن

۴۶	نطفهٔ بهشتی پیامبر (ص)
۴۶	اشاره
۵۰	بارداری آمنه علیها السلام
۵۴	توطئه قتل حضرت آمنه علیها السلام
۵۶	رحلت جانسوز همسر
۶۰	میلاد مولود آمنه علیها السلام
۶۶	زمان و مکان میلاد نبی اسلام (ص)
۶۸	دوران شیرخوارگی مولود آمنه علیها السلام
۷۲	سفر به یثرب
۷۴	وفات مادر
۷۸	پس از وفات آمنه علیها السلام
۷۸	اشاره
۷۸	نیش قبر آمنه علیها السلام
۷۹	عمره حدیبیه و زیارت قبر مادر در ابواء
۸۰	فضایل آمنه علیها السلام
۸۰	اشاره
۸۰	مادری خاتم الانبیاء (ص)
۸۱	کرامت نفس
۸۱	شرافت و مکانت نسب
۸۱	نزول ملائکه هنگام وضع حمل وی
۸۲	محدثه
۸۲	فراست و هوشیاری و نیکویی بیان
۸۲	اشعار در مدح حضرت آمنه علیها السلام
۸۴	ذکر نام آمنه علیها السلام در زیارتنامه‌ها

- ۸۴ ذکر نام آمنه علیها السلام در حرزهای مربوط به پیامبر (ص)
- ۸۵ توسل به حضرت آمنه علیها السلام (مشکل گشای امور مالی)
- ۸۶ کتابنامه
- ۹۲ درباره مرکز

زنان اسوه حضرت آمنه

مشخصات کتاب

سرشناسه : شاکری، صدیقه، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور : حضرت آمنه: مادر گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله / صدیقه شاکری.
مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری : ۸۴ص. ۱۲×۲۱س.م.
فروست : زنان اسوه؛ ۲.
شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۳۴۳-۸
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
موضوع : آمنه بنت وهب(س)، ۷۶؟ - ۴۶ قبل از هجرت.
رده بندی کنگره : BP۵۲/۲ / آ۸ش ۲ ۱۳۹۰
رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۲
شماره کتابشناسی ملی : ۲۵۹۳۹۹۳
ص: ۱

اشاره

ص: ۷

دیباچه

سعادت واقعی انسان و پویایی جوامع بشری در گرو شناخت و کارآمد کردن سیره اولیای الهی است. پر آشکار است که سیره اولیای الهی به ویژه اهل بیت خاندان وحی، متقن ترین آموزه‌های تربیتی و بنیادی ترین مؤلفه فرهنگ اسلامی است. شناخت واقعیت‌های زندگی آنان و بهره‌گیری از روش و منش و رفتار و گفتارشان می‌تواند زمینه‌های تعالی و سعادت واقعی انسان را فراهم سازد. از این رو، پژوهش در آثار اولیای الهی به ویژه جست‌وجو در احوال خاندان پاک نبوت به منظور الگوگیری از آنان ضرورت انکارناپذیر مراکز پژوهشی است.

گروه تاریخ و سیره مرکز تحقیقات حج در راستای ایفای رسالت خود در ترویج فرهنگ اصیل اهل بیت علیه السلام دست به انتشار شرح حال عده‌ای از

ص: ۸

مردان و زنان انسان‌ساز زده است که از جمله آنان شرح حال مادر گرامی رسول خدا (ص)، حضرت آمنه بنت وهب است. امید است که این نوشته مورد قبول آن بانوی بزرگوار قرار گیرد.

در پایان، مرکز تحقیقات حج بر خود لازم می‌داند از تلاش پژوهشگر محترم سرکار خانم صدیقه شاکری و همه کسانی که در به ثمر رسیدن این اثر تلاش کرده‌اند، سپاس‌گزاری نماید.

انه ولی التوفیق

مرکز تحقیقات حج

گروه تاریخ و سیره

ص: ۹

مقدمه

اشاره

بی‌تردید آشنایی با تاریخ زندگانی انسان‌های بزرگ که سرمایه ارزشمندی از تجربه و عبرت را در اختیار انسان می‌گذارند، بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. در میان این انسان‌های بزرگ افرادی نیز در عالی‌ترین مراتب پاکی قرار دارند. حضرت آمنه علیها السلام از جمله همین انسان‌هاست که نامی آشنا در میان ما مسلمانان دارد.

بی‌گمان، برجسته‌ترین ارتباطی که این نام را با دل و جان ما در آمیخته، فرزند جاویدان و قدسی وی، حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) است. هر چند درباره زندگانی این بانوی مهر، مآخذ و مدارک و گزارش‌های تاریخی بسیار ناچیزی وجود دارد، اما از نشانه‌های بزرگی و بزرگواری فرزندش می‌توان به شأن و عظمت والای ایشان پی برد.

پیامبر خاتم (ص)، بزرگ‌ترین پیامبر الهی است، پس

ص: ۱۰

به یقین مادر ایشان نیز دارای جایگاه ویژه‌ای بوده که عصاره آن وجود مبارک، پیامبر گرامی اسلام (ص) شده است و این بانوی بزرگوار، صاحب آن‌چنان کمال و جمالی بوده که توانسته در وجود خود، چنین گلی که سرسبد هستی است را به دنیا آورد. با وجود این، در این مورد باید بیشتر و عمیق‌تر اندیشه شود تا معلوم گردد در شرایط سخت و طاقت‌فرسای دوران جاهلیت که همواره عظمت و کرامت زن خدشه‌دار می‌شد، این بانو چگونه توانسته برگزیده همه پیامبران را در خود پرورانده و بالنده سازد و چگونه توانسته در آن شرایط سخت که جامعه جاهلیت از ظلم و ستم بیداد می‌کرده آن‌چنان بر خود مسلط باشد که مسطرتین و با نفوذترین شخصیت عالم را برای بشر به ارمغان گذارد و خود مورد تعریف و تمجید همگان از جمله بزرگان و فرهیختگان زمان خویش قرار گیرد.

ص: ۱۱

آمنه مادر گرامی پیامبر اکرم (ص)**اشاره**

حضرت آمنه علیها السلام، مادر گرامی پیامبر اسلام (ص)، دختر «وَهَب بن عبد مناف بن زُهره بن کلاب بن مُرّه بن کعب» از قبیله قریش و از تیره «بنی زهره» بود. (۱) حضرت آمنه علیها السلام از نظر نسب و شرافت، از برترین زنان قریش بود. (۲) تاریخ تولد ایشان به طور دقیق مشخص نیست، اما گفته‌اند که او در زمان خواستگاری‌اش از سوی عبدالله (در سال اول عام الفیل)، ۲۴ ساله بوده است. (۳) بنابراین زمان تقریبی تولد او، باید شصت و چهار سال پیش از بعثت بوده باشد.

-
- ۱- انساب الاشراف، احمد بن عیسی بلاذری، ج ۲، ص ۱۹۲؛ الطبقات الکبری، محمد بن سعد، ج ۱، ص ۴۹.
 - ۲- السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۱۰.
 - ۳- تاریخ یعقوبی، احمد بن اسحاق یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰.

ص: ۱۲

پدر و مادر

بی تردید، فرزند ثمره‌ای است که از پدر و مادر خود به جای می ماند؛ به همین دلیل با شناخت شخصیت فرزند، می توان به سیره پدر و مادر او نیز پی برد. از سوی دیگر، با شناخت شخصیت پدر و مادر، ریشه های اساسی شکل گیری و بالندگی فرزند نیز کشف می شود.

بررسی زندگی اجداد پدر و مادری رسول خدا (ص)، نشان می دهد که آنها، از بهترین و پاک دامن ترین انسان ها بوده اند؛ به طوری که هیچ موردی از آلودگی به سنت های رایج جاهلی و اعمال منافی عفت از آنها گزارش نشده و نسلشان از زمان حضرت آدم (ع) با ازدواج های شرعی و الهی به وجود آمده است. (۱) پیامبر (ص) فرمود:

خداوند از فرزندان ابراهیم، اسماعیل را برگزید و از فرزندان اسماعیل، بنی کنانه و از بنی کنانه، قریش و از قریش، بنی هاشم و مرا از بنی هاشم برگزید. (۲)

۱- طبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۹.

۲- الاکتفاء، ج ۱، ص ۷؛ بهجة المحافل، ج ۱، ص ۱۱؛ امتاع الاسماع، ج ۳، ص ۱۹۱؛ ر. ک: تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر والاعلام، ج ۱، ص ۲۲؛ البدایة و النهایة، ج ۲، ص ۲۰۲؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۲۰.

ص: ۱۳

بنابراین، پیامبر (ص) برگزیده‌ای از برگزیدگان است. حضرت آمنه علیها السلام، حاصل تربیت پدر و مادری است که از راه وراثت و تربیت ابراهیمی رشد نموده و به کمال رسیده است. پدر آمنه علیها السلام وهب بن عبد مناف، از بزرگان و شریفان (۱) و از رهبران بنی زهره بود. (۲) بنی زهره و بنی هاشم در یک سلسله نسب قرار داشتند و با هم، هم‌پیمان بودند. از این رو درباره دو فرزند «کلاب بن مُرَّة» یعنی «قُصَی» و «زُهره» گفته شده است: «قُریشُ ابنا کِلابٍ» (۳)؛ «قُریشُ فرزند دو پسر کلابند». به عبارتی، آنها دو بطن خالص قریشند. مادر آمنه علیها السلام «بَرّه»، دختر عبدالعزی بن عبدالدار بن قصی بن کلاب از خاندان بنی عبدالدار بود (۴) که در جد سوم پیامبر (ص) (عبدمناف)، به او می‌پیوندد. وی از نظر حسب و نسب، از زنان صاحب کمال بود. (۵)

۱- السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۶۵؛ طبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۶.

۲- همان.

۳- أنساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۸.

۴- السیره النبویه، ج ۱، ص ۷۰؛ طبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۹.

۵- السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۶۵.

ص: ۱۴

آمنه علیها السلام، تنها فرزند پدر و مادرش بود و از این رو، پیامبر (ص) خاله و دایی نداشت. بنی زهره، خود را دایی‌های پیامبر (ص) می‌دانستند؛ زیرا آمنه علیها السلام از قبیله آنها بود. (۱)

مادر پیامبر (ص) به هوشمندی و سخنوری شهره بود. (۲) وی بانویی با فضل و خوش سخن بود. اشعار زیبا و فصیحی از ایشان نقل شده که نشانگر کمال فضل و ایمان ایشان است؛ برای مثال ابیاتی را که در بستر بیماری و وفاتش، خطاب به فرزندش حضرت ختمی مرتبت سروده، ذکر می‌کنیم:

انْ صَحَّ مَا أَبْصَرْتُ فِي الْمَنَامِ

فانت مبعوث على الانام

من عند ذی الجلال و الاکرام

تبعث فی الحل و فی الحرام

تبعث بالتحقیق و الاسلام

دین ایبک البر ابراهام

فالله انهاک عن الاصنام

ان لا توالیها مع الاقوام (۳)

اگر آنچه را در خواب دیدم صحت داشته باشد [که دارد] تو به سوی مردم به پیامبری مبعوث می‌گردد.

۱- اعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، ص ۲۸۵؛ امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۳۴.

۲- فرهنگ اعلام تاریخ اسلام، ج ۱، ص ۲۱.

۳- تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۲۹.

ص: ۱۵

از جانب خداوندی که دارای جلال و کرامت است مبعوث می‌شوی در مکه و خارج از آن. تو به حقیقت و اسلام مبعوث می‌شوی، به دین پدر نیکو کارت ابراهیم. پس خدا تو را از پرستش بت‌ها نهی کرد و این که با کسانی که بت پرستی می‌کنند، دوستی کنی. از جزئیات زندگانی آمنه علیها السلام، اطلاع چندانی در دست نیست و هر آنچه در تاریخ آمده، به زمان ازدواج ایشان و پس از آن مربوط می‌شود. (۱)

۱- دایرة المعارف قرآن کریم، ج ۱، ص ۳۲۰.

ص: ۱۶

ازدواج آمنه علیها السلام

درباره چگونگی ازدواج آمنه علیها السلام با عبدالله و نیز حوادث پس از آن، گزارش‌های گوناگونی وجود دارد که می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

الف) خواستگاری از جانب عبدالمطلب

گزارش‌هایی که خواستگاری را از جانب عبدالمطلب عنوان کرده‌اند دو گونه‌اند:

یک - در سال اول عام الفیل (۱)، عبدالمطلب به اتفاق پسرش عبدالله به خانه وهب بن عبد مناف رفت و دخترش آمنه را به عقد عبدالله درآورد. (۲)

۱- ده سال پس از حفر زمزم و یک سال پس از ذبح عبدالله و قربانی شتران؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹.

۲- السیره النبویه، ج ۱، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

ص: ۱۷

ازدواج آمنه عليها السلام**اشاره**

درباره چگونگی ازدواج آمنه عليها السلام با عبدالله و نیز حوادث پس از آن، گزارش‌های گوناگونی وجود دارد که می‌توان آنها را به دو دسته تقسیم کرد:

الف) خواستگاری از جانب عبدالمطلب

گزارش‌هایی که خواستگاری را از جانب عبدالمطلب عنوان کرده‌اند دو گونه‌اند:

یک - در سال اول عام الفیل (۱)، عبدالمطلب به اتفاق پسرش عبدالله به خانه وهب بن عبد مناف رفت و دخترش آمنه را به عقد عبدالله درآورد. (۲)

۱- ده سال پس از حفر زمزم و یک سال پس از ذبح عبدالله و قربانی شتران؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹.

۲- السیره النبویه، ج ۱، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

ص: ۱۸

دو - برخی منابع، عموی وی (وهیب بن عبدمناف) را سرپرست آمنه علیها السلام معرفی کرده و گفته‌اند که وی در خانه عمویش زندگی می‌کرده و مراسم خواستگاری از سوی عبدالمطلب برای عبدالله از عموی آمنه و در خانه وی بوده است (۱)؛ زیرا پدرش در قید حیات نبوده است. (۲)

برخی علت این خواستگاری را در پیشگویی پیرمردی یهودی از یمن دانسته‌اند بر این اساس که عبدالمطلب در یکی از سفرهای تجاری‌اش با وی ملاقات و او مژده ازدواج فرزندش با دختری شایسته از قبیله بنی‌زهره را داد و گفت که این ازدواج زمینه‌ساز میلاد پیامبر آخر الزمان است. (۳)

ب) پیشنهاد خواستگاری از جانب وهب پدر آمنه علیها السلام

بعضی منابع تاریخی و روایی، ماجرای را ذکر می‌کنند که پس از آن «وهب» به شدت علاقه‌مند به ازدواج دخترش با عبدالله (ع) می‌شود و همسرش را برای طرح این پیشنهاد راهی خانه عبدالمطلب می‌کند.

۱- انساب الاشراف، ج ۱، ص ۷۹؛ طبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۶.

۲- سیره المصطفی، ص ۴۰.

۳- ر. ک: طبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۰.

ص: ۱۹

خلاصه این ماجرا چنین است که یهودیان شام در یکی از سفرهای عبدالله به شام، نور رسول خدا (ص) را در پیشانی عبدالله دیدند و تصمیم جدی بر ترور وی گرفتند و با طرح نقشه‌ای ماهرانه عده‌ای را به صورت تاجر به مکه فرستادند. آنها منتظر فرصت مناسب برای عمل کردن نقشه شوم خویش بودند، تا آنکه روزی عبدالله به تنهایی به شکار رفت. آنان به سرعت وی را تعقیب و در دره‌ای محاصره کردند و به وی حمله‌ور شدند و عبدالله به تنهایی مقاومت می‌نمود. در این حال «وهب بن عبدمناف» از آنجا عبور می‌کرد و ماجرا را دریافت. به علت زیاد بودن تعداد دشمن چاره را در کمک‌گیری از مکه و عبدالمطلب دید. از این رو به سرعت عبدالمطلب و فرزندان او را به مکان درگیری برد.

وهب که شاهد شجاعت عبدالله بود، به خانه خود بازگشت و به همسرش (بزه) گفت:

امروز از عبدالله (ع) شجاعتی دیدم که از هیچ یک از شجاعان عرب ندیده بودم. خدا او را به حسن و نوری مخصوص گردانیده است.

پس از آن، وهب خواستار ازدواج عبدالله با دخترش شد و همسرش را برای طرح این پیشنهاد به

ص: ۲۰

خانه عبدالمطلب فرستاد. (۱)

براساس برخی نصوص تاریخی، فاطمه مادر عبدالله (ع) به دیدن آمنه علیها السلام آمد و هنگامی که ادب و احترام و حسن و جمال وی را مشاهده کرد، به او علاقه مند شد و نزد عبدالله (ع) رفت و این چنین آمنه را توصیف کرد: «در مکه دختری بهتر از او از جهت زیبایی و بزرگی و کمال و عقل وجود ندارد». (۲) عبدالمطلب نیز سخنان او را تأیید کرد و به عبدالله گفت: این دختر از خویشان توست و در مکه مانند او در عقل، طهارت، عفاف، دیانت، صلاح، کمال، حسن و جمال نیست. عبدالله ساکت شد و عبدالمطلب از سکوت او رضایتش را دریافت.

حضرت عبدالمطلب شبانه عبدالله را به خانه «وهب» برد تا درباره ازدواج صحبت کنند و قرار بر این شد تا بامداد آن روز هر دو قوم حاضر شوند و

مراسم ازدواج انجام گیرد. (۳)

۱- الانوار فی مولد النبی، صص ۱۱۶ - ۱۲۰؛ الخرائج و الجرائج، قطب الدین راوندی، ج ۱، ص ۱۲۹؛ تاریخ الخمیس، شیخ حسین دیاربکری، ج ۴، ص ۱۸۳؛ حیاة القلوب، محمدباقر مجلسی، ج ۳، صص ۸۴ - ۸۹.

۲- ر. ک: الانوار، ابوحسن عبدالله بکری، صص ۱۱۸ و ۱۱۹.

۳- حیاة القلوب، صص ۸۷ و ۸۸.

ص: ۲۱

مراسم ازدواج**اشاره**

حضرت عبدالمطلب خاندان خویش را جمع کرد و جامه‌های فاخر پوشانید. وهب نیز خویشان خود را جمع کرد و پس از آنکه جلسه تشکیل شد، حضرت عبدالمطلب برخاست و در فصاحت و بلاغت تمام خطبه خواند و گفت:

حمد می‌کنم خدا را حمد شکرکنندگان، حمدی که او مستوجب است بر آنچه انعام کرده است بر ما و بخشوده است به ما و ما را همسایگان خانه خود و ساکنان حرم خود گردانیده است و محبت ما را در دل‌های بندگان خود انداخته و ما را به جمیع امت‌ها شرافت داده و از تمامی آفت‌ها و بلاها حفظ نموده است. حمد می‌کنم خدا را که نکاح را بر ما حلال و زنا را بر ما حرام گردانیده است. بدانید که فرزند

ص: ۲۲

ما عبدالله دختر شما را خواستگاری می‌نماید به فلان صداق، آیا راضی شدید؟

و هب گفت: «راضی شدیم و قبول کردیم» .

عبدالمطلب گفت: «ای قوم گواه باشید» .

سپس عبدالمطلب در مکه چهار روز ولیمه داد و جمیع اهل مکه و نواحی را دعوت کرد. (۱)

مراسم زفاف در خانه عبدالمطلب انجام شد. (۲)

برخی از منابع میزان مهریه را هزار مثقال نقره به صورت نقد و هزار مثقال طلا به صورت مؤجل ذکر نموده‌اند. (۳)

اشراق نور پیامبر (ص) در آمنه علیها السلام

در منابع روایی، احادیث بسیاری درباره خلقت نوری پیامبر و ائمه علیهم السلام، وجود دارد، ولی در این مختصر به خلقت نوری

پیامبر (ص) و ارتباط آن با حضرت آمنه علیها السلام پرداخته و تنها به یک روایت اشاره

می‌کنیم؛ به سندهای معتبر از معاذ بن جبل نقل شده که حضرت رسول (ص) فرمود:

۱- الانوار، ص ۱۲۶؛ حیاة القلوب، ج ۳، ص ۸۸؛ تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲- تاریخ الامم و الملوک تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۴۳.

۳- الانوار، ص ۱۲۲.

ص: ۲۳

به درستی که خداوند متعال، من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السلام را پیش از آنکه دنیا را خلق کند [با فاصله] هفت هزار سال آفرید.

معاذ عرض کرد: «ای رسول خدا! در آن زمان در کجا بودید؟» فرمودند: «نزد عرش الهی بودیم و خداوند را تسبیح و تحمید و تقدیس و تمجید می کردیم». پرسید: «به چه مثال و مانند بودید؟» فرمودند:

شبحی چند نفر بودیم از نور. پس چون حق تعالی خواست صورت ما را بیافریند، ما را عمودی از نور گردانید و در صلب [پشت] آدم (ع) جا داد و سپس بیرون آورد ما را به سوی صلب‌های پدران و رحم‌های مادران و به ما نجاست شرک و پلیدی کفر نرسید. پس گروهی چند در هر زمانی به سبب ایمان آوردن بر ما، سعادت‌مند می شوند و گروهی چند به واسطه ایمان نیاوردن به ما شقی می شوند. پس چون ما را به صلب عبدالمطلب درآورد، آن نور را به دو نصف کرد. پس نصف آن را

در صلب عبدالله جا داد و نصف دیگر را در صلب ابوطالب. پس آن نصف که از من بود، به «آمنه» منتقل شد و نصف دیگر به «فاطمه بنت اسد». پس من از آمنه

ص: ۲۴

به هم رسیدم و علی از فاطمه [بنت اسد] به هم رسید. پس تمام عمود نور به من برگشت و فاطمه علیها السلام از من به هم رسید. پس باز تمام عمود نور به علی برگشت و حسن و حسین علیها السلام از هر دو نصف نور به هم رسیدند. پس نور من در امامان از فرزندان حسین (ع) تا روز قیامت می‌گردد. (۱)

۱- علل الشرایع، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ج ۱، ص ۲۰۸؛ حیاة القلوب، ج ۳، صص ۱۹ و ۲۰.

مرتبه ایمان حضرت آمنه علیها السلام از دیدگاه شیعه

در باور امامیه، خاندان حضرت محمد (ص)، خاندان توحید و همگی از پاکی و طهارت ویژه‌ای برخوردار بودند. چنانکه پدر، مادر و تمامی اجداد (پدران و مادران) آن حضرت، تا آدم (ع) همگی مسلمان بوده و نور آن حضرت در صلب و رحم مشرکان قرار نگرفته است. از آن حضرت (ص) نقل شده که فرمود:

خدا پیوسته مرا از صلب‌های مردان پاک به ارحام زنان پاک منتقل ساخت تا به دنیای شما آورد و هرگز مرا به آلودگی‌های جاهلیت آلوده نکرد. (۱)

از آنجا که خداوند سبحان در قرآن کریم، مشرکان را ناپاک و نجس معرفی کرده و می‌فرماید: **إِنَّمَا**

۱- اعتقادات، شیخ صدوق، ص ۱۳۵؛ مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۲۲؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۱۷.

ص: ۲۶

الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ؛ «مشرکان ناپاکند» (توبه: ۲۸)، اگر یکی از پدران یا مادران پیامبر (ص) بی‌ایمان و مشرک بود، حضرت رسول (ص) نمی‌توانست همه آنها را به گونه فراگیر به طهارت و پاکی توصیف کند. پس پیامبر (ص) که معصوم و مبرا از هر خطا و اشتباهی است، خود تأییدکننده ایمان پدران و مادران گرامی‌اش تا حضرت آدم و حوا بوده و از شائبه آلودگی به کبر مبرا می‌سازد. این اعتقاد شیعه به قدری مشهور و آشکار است که شخصیتی مانند فخر رازی این را از ضروریات مذهب شیعه برشمرده و در تفسیرش چنین آورده است: «شیعه می‌گوید: بی‌تردید حتی یکی از پدران پیامبر (ص) و اجدادش کافر نبوده‌اند». (۱)

علمای شیعه به آیات و روایات متعددی برای اثبات این مطلب تمسک کرده‌اند، که افزون بر دو مورد مذکور، روایاتی است که در آنها تأکید شده است خداوند حمل پیامبر (ص) را در بهترین رحم قرار داده (۲) و آن را از آتش جهنم دور داشته (۳) است. با توجه

۱- التفسیر الکبیر، ج ۲۴، صص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۲- مرآة العقول، ج ۵، ص ۲۳۴.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۴۶.

ص: ۲۸

به آیه ۲۱(ص) سوره شعراء: وَ تَقَلُّبُكَ فِي السَّاجِدِينَ (۱)، مراد از انتقال نور وجود پیامبر (ص) از انسان سجده کننده‌ای برای خدا به سجده کننده دیگر، انتقال نطفه آن حضرت به صلب پیامبران و رحم پاکیزگان است. (۲)

درباره آمنه علیها السلام روایات بسیاری در رابطه با الهامات فرشتگان بر وی آمده (۳) که نشانگر درجهٔ اعلای ایمان در وی است، بلکه بانویی فوق‌العاده بوده که مانند حضرت مریم علیها السلام و مادر حضرت موسی (ع) با عالم غیب نیز در ارتباط بوده است، چون در میان شیعیان درباره ایمان حضرت آمنه اتفاق نظر وجود دارد به همین مقدار از آیات و روایات بسنده می‌کنیم و به دیدگاه اهل سنت با توجه به اختلاف نظرشان در این مورد می‌پردازیم.

۱- و نیز حرکت تو را در میان سجده کنندگان مشاهده می‌کند .

۲- ر. ک: البرهان، سیدهاشم بحرانی، ج ۳، صص ۱۹۲ - ۱۹۴.

۳- در مبحث بارداری به برخی از این جریانات، خواهیم پرداخت.

دیدگاه اهل سنت دربارهٔ ایمان حضرت آمنه علیها السلام

اشاره

درباره ایمان مادر گرامی رسول خدا (ص) سه نظریه و دیدگاه، در بین اهل سنت وجود دارد:

الف) مؤمن به دین حنیف

عده‌ای از علمای اهل سنت معتقدند پدر و مادر حضرت پیامبر (ص) بر دین حنیف، یعنی جدشان ابراهیم (ع) بوده‌اند؛ مانند فخر رازی (۱)، سیوطی (۲)، ابن جوزی (۳) و... سیوطی مدعی است که اشاعره و شافعیه اتفاق نظر دارند که «اگر کسی از دنیا برود و

۱- التفسیر الکبیر، ج ۲۴، صص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۲- ر. ک: الفوائد الکامنه، صص ۵۸ - ۶۱.

۳- همان، ص ۶۲.

ص: ۳۰

دعوت خدا به او نرسد، نجات یافته به حساب می آید». (۱) سپس می گوید:

پدر و مادر ایشان پیش از بعثت از دنیا رفته‌اند. بنابراین تدین به دین حنیف برای اثبات ایمان و نجات از عذاب الهی برای ایشان کافی است. (۲)

سیوطی برای تأیید بیشتر، به معجزه و نشانه‌های روشن الهی در دوران حمل و ولادت فرزند با عظمت آمنه علیها السلام و همچنین اشعار توحیدی به جای مانده از سوی ایشان، اشاره می کند. (۳)

ب) ایمان پس از مرگ

بعضی از علمای اهل سنت مانند «سهیلی» (۴) ابن منیر مالکی (۵)، قرطبی (۶) برای توجیه و تأیید روایات مربوط به متدین بودن مادر حضرت استناد به قدرت الهی و عنایات حق تعالی به پیامبر (ص) کرده و گفته‌اند خدای متعال با کرامت بخشی به پیامبر (ص) مادر آن حضرت را

۱- الفوائد الکامنه، ص ۱۵ مقدمه محقق .

۲- همان، ص ۶۱.

۳- همان، ص ۵۸.

۴- همان، ص ۳۴.

۵- همان، ص ۱۷.

۶- همان، ص ۳۵.

ص: ۳۱

در دوران رسالت او به خواست آن حضرت زنده کرده و او بعد از ایمان به پیامبر (ص) مجدداً در گذشت. (۱) که البته وجهی برای درستی این روایت وجود ندارد.

ج) ایمان نداشتن

برخی از اهل سنت بر این باوراند که پدر و مادر پیامبر (ص) و بسیاری از اجداد ایشان، مانند عبدالمطلب، هاشم و عبد مناف، کافر بودند. (۲)

دلیل آنها درباره مادر ایشان حضرت آمنه علیها السلام، حدیثی از «عطیه» است که درباره شأن نزول آیه ۱۱۳ سوره توبه وارد شده است:

(مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ) (توبه: ۱۱۳)

برای پیامبر و مومنان شایسته نبود که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرزش کنند هرچند از نزدیکانشان باشند آن هم پس از آنکه روشن شد که این گروه اهل دوزخند.

۱- الفوائد الكامنه، ص ۱۷.

۲- ر. ك: صحيح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱؛ الطبقات الكبرى، ج ۱، صص ۹۳ و ۹۴.

ص: ۳۲

عطیه نقل کرده است:

هنگامی که پیامبر (ص) به مکه رسید، بر سر قبر مادرش ایستاد بدان امید که خداوند به ایشان اجازه دهد تا برای مادرش آمرزش طلبد. ولی خداوند اجازه نداد. (۱)

اما این سخن با آنچه در منابع تاریخی که قبر آمنه را در ابواء می‌دانند، ناسازگار است؛ چنان که ابن سعد نیز به خطا بودن آن تصریح دارد. (۲)

این مطلب با احترام نهادن پیامبر (ص) بر قبر مادرش در بازگشت از عمره حدیبیه نیز همخوانی ندارد. چنان که نقل شده است: هنگامی که پیامبر (ص)، در عمره حدیبیه از ابواء عبور کرد، فرمود: «خداوند به من اجازه داده است که به زیارت قبر مادرم بروم». سپس به کنار قبر مادرش آمد و گریست و آن را اصلاح کرد و مسلمانان هم از گریه‌های آن حضرت گریستند. به ایشان گفته شد: «چرا می‌گریید؟»، فرمود: «به یاد مهربانی او افتادم و گریستم». (۳)

از سوی دیگر، برخی مانند ابن کثیر، روایت عطیه

۱- ر. ک: صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۱؛ الطبقات الکبری، ج ۱، صص ۹۳ و ۹۴.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۴.

۳- همان.

ص: ۳۳

را از نظر متن و سند از درجه اعتبار ساقط اعلام کرده و پذیرش آن را مشکل دانسته است. (۱) علاوه بر پاسخ‌هایی که از سوی اهل سنت نقل شده است، برخی از علمای آنان مانند سیوطی، کتاب‌های متعددی در این باره نگاشته‌اند؛ از جمله: «الدُّرَجُ المَنِيْفَةُ فِي الْآبَاءِ الشَّرِيفَةِ»، «المَقَامَةُ وَ السَّنَدِ سِيَه فِي النِّسْبَةِ المِصْطَفَوِيَه»، «التَّعْظِيمُ وَ المِنَّةُ فِي أَنَّ ابُوِي رَسُولِ اللّٰهِ (ص) فِي الْجَنَّةِ»، «السَّبَلُ الْجَلِيَّةُ فِي الْآبَاءِ الْعَلِيِّه»، «نُشْرُ الْعَلَمِيْنَ الْمَنِيْعِيْنَ فِي اَحْيَاءِ الْاَبُوِيْنَ الشَّرِيفِيْنَ»، «أَنْبَاءُ الْاَوْلِيَاءِ فِي حَيَاةِ الْاَنْبِيَاءِ (عَلَيْهِمُ السَّلَام)»، «الفَوَائِدُ الْكَامِنَةُ فِي اِيْمَانِ السَّيْدَةِ اَمْنَه» .

از جمله مطالبی که در کتاب الفوائد الكامنه آمده دو مقدمه بدین شرح است:

مقدمه اول: احادیث صحیح‌ه‌ای دلالت می‌کند که هر اصلی (۲) (پدر یا مادر) از اصول (اجداد و امهات) پیامبر (ص) از حضرت آدم (ع) تا پدرش عبدالله، از بهترین اهل قرن و برترین و فاضل‌ترین آنها بوده و

۱- البدایة و النهایه، اسماعیل بن کثیر دمشقی، ج ۴، ص ۲۰۳.

۲- سیوطی این دلیل را برای اثبات موحد بودن پدران پیامبر آورده، ولی از طرفی همچنان که خواهید دید روایت‌ها عمومیت دارند؛ زیرا اصل، هم پدر است و هم مادر و ما با کمی تصرف، آن را به مادران نیز سرایت دادیم.

ص: ۳۴

هیچ کسی در آن زمان بهتر و افضل‌تر از او نبوده است.

مقدمه دوم: احادیث و آثار بسیاری بر این دلالت دارد که از زمان نوح (ع) و آدم (ع) تا بعثت نبی اسلام (ص)، تا برپا شدن قیامت، زمین از مردمی که بر فطرت (توحید) باشند که خدا را عبادت کنند و او را واحد بدانند و برایش نماز بخوانند، خالی نبوده است و به واسطه آنها زمین حفظ و نگه‌داری می‌شود و اگر ایشان نبودند، زمین و هر کسی که بر روی آن است، نابود و هلاک می‌شد. با این دو مقدمه این نتیجه به دست می‌آید که پدران و مادران پیامبر (ص)، هیچ‌کدام مشرک نبودند؛ زیرا وقتی ثابت شد که هر یک از آنها بهترین افراد قرن خود بودند، نمی‌توانند از چند حال خارج باشند: یک - مردمی که بر فطرت توحید بودند، پدران (و مادران) پیامبر (ص) بودند و این همان ادعای ماست.

دو - یا آن مردمی که بر فطرت توحید بودند، پدران (و مادران) پیامبر (ص) نبودند، بلکه پدران پیامبر (ص) مشرک بودند که در این صورت یکی از این دو مورد صدق می‌کند:

ص: ۳۵

اول: یا مشرک بهتر از مسلمان است که این مطلب به اجماع باطل است.

دوم: یا غیر پدران (و مادران) پیامبر (ص)، بهتر از پدران (و مادران) انبیا بوده‌اند که این هم باطل است. پس به علت مخالفت این صورت با روایت‌ها، نتیجه می‌شود که به یقین، در میان پدران پیامبر (ص) مشرکی نبوده تا همه آنها در هر قرن مربوط به خود بهترین اهل زمین باشند. سیوطی برای اثبات مقدمه اول، روایت‌هایی را نقل کرده است:

«بخاری» از «ابو هریره» نقل کرده است که پیامبر (ص) فرمود:

مبعوث شدم از بهترین (افراد) قرن‌های بنی آدم که قرن به قرن آمده بود تا مبعوث شدم در قرنی که در آن بودم. (۱)

بیهقی در دلائل النبوه از انس نقل کرده که پیامبر (ص) فرمودند:

مردم دو دسته و فرقه شدند، مگر اینکه خداوند مرا در بهترین آن دو قرار داد و من از این پدر و مادرم پا به عرصه وجود گذاشتم. پس چیزی از عهد جاهلیت به من نرسید و از نکاح به دنیا آمدم، نه از

۱- صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۶۶.

ص: ۳۶

سفاح، از زمان آدم، تا اینکه امر منتهی شد به پدر و مادرم. پس من بهترین شما هستم از جهت خودم و بهترین شما هستم از جهت پدر [و مادر]. (۱)

سیوطی ده روایت دیگر را نیز از منابع معتبر نقل می‌کند که هر کدام به نوعی اثبات‌کننده مطلبند. سپس برای اثبات مقدمه دوم، دلیل‌هایی را بیان می‌کند که به دو دلیل اشاره می‌کنیم:

احادیثی که دلالت می‌کند بر اینکه خداوند پس از نوح (ع) به علت وجود مسلمانانی که او را اطاعت می‌کنند، بلا را از اهل زمین دفع می‌کند.

احادیثی که در تفسیر قول خداوند متعال: (كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً) وارد شده که برخی از آنها درباره مادران انبیا است و دلالت می‌کند بر اینکه از زمان حضرت آدم (ع) تا نوح (ع) و از زمان نوح (ع) تا پیامبر (ص)، پیوسته بر دین اسلام بوده‌اند. (۲)

سیوطی می‌گوید:

با استقرایی که در رابطه با سرگذشت مادران انبیا به دست آوردم، به این نتیجه رسیدم که همه آنها مؤمن بوده‌اند که بعضی از آنها در قرآن ذکر شده،

۱- دلائل النبوه، ج ۱، ص ۱۷۴.

۲- ر. ک: بحارالانوار، ج ۱۵، صص ۱۱۸ - ۱۲۲.

ص: ۳۷

مانند: حضرت حوا و ساره (مادر اسحاق) (هود: ۷۱) ، مادر حضرت موسی و هارون (قصص: ۷) ، مادر حضرت عیسی (ع) (مائده: ۷۵) .

و اسامی بعضی دیگر در روایت‌ها ذکر شده است، مانند هاجر مادر اسماعیل (ع) ، مادر حضرت یعقوب (ع) و مادران اولادش، مادر حضرت زکریا (ع) مادر حضرت یحیی (ع) ، و مادران شموئیل، شمعون و ذی‌الکفل. (۱)

۱- الفوائد الكامنه، ص ۶۱.

ص: ۳۹

نطفه بهشتی پیامبر (ص)**اشاره**

درباره زمان بارداری آمنه علیها السلام، گزارش‌های گوناگونی وجود دارد. در یکی از آنها چنین آمده است: مدتی از جشن ازدواج عبدالله (ع) و آمنه علیها السلام گذشت. طلوع خورشید نبوت نزدیک شد. حق تعالی به جبرئیل امر کرد که در جنه‌المأوی ندا کند: «اسباب تقدیر ظهور پیغمبر بشیر و نذیر، سراج منیر که به نیکی‌ها امر و از بدی‌ها نهی خواهد کرد و مردم را به راه حق خواهد خواند، تمام شد. او صاحب امانت و صیانت و رحمت من بر عباد است و نور او در گستره گیتی و همه شهرها ظاهر خواهد شد. هر که او را دوست بدارد به شرف و عطا بشارت یافته است و هر که او را دشمن دارد،

ص: ۴۰

بدترین عذاب‌ها برای اوست و اوست که پیش از خلقت آدم طینت پاکیزه او را بر شما عرضه کردم و نام او در آسمان احمد و در زمین محمد و در بهشت ابوالقاسم است» .

پس ملائکه صدا به تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر بلند کردند و درهای بهشت را گشودند و درهای جهنم را بستند و حوریان از غرفه‌های بهشت مشرف شدند و مرغان بر درختان جنان به انواع نغمات صدا به تسبیح خالق زمین و آسمان بلند کردند. (۱)

عصر روز جمعه که مصادف با روز عرفه بود، عبدالله (ع) با پدر و برادرانش در بیابان عرفات می‌گشتند، در آن بیابان آب نبود، ناگاه نهری از آب زلال به نظرشان آمد و منادی ندا کرد: «ای عبدالله از آب این نهر بیاشام» . چون نوشید، از برف سردتر و از غسل شیرین‌تر و از مشک خوشبوتر بود و چون فارغ شد، از آن نهر اثری ندید. پس عبدالله (ع) دانست که آن نهر آسمانی برای انعقاد نطفه آن برگزیده پروردگار بر زمین ظاهر گردیده است. بنابراین به خیمه

۱- الانوار، صص ۱۲۶ و ۱۲۷؛ حیاة القلوب، ج ۳، صص ۸۸ و ۸۹؛ تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۱۸۵.

ص: ۴۱

مراجعت نموده به آمنه علیها السلام گفت:

برخیز و غسل کن و جامه‌های پاکیزه بپوش و خود را معطر کن که نزدیک است که مخزن آن نور ربّانی شوی.

پس در آن وقت به سید رسل (ص) حامله گردید و نور از صلب عبدالله به رحم طاهر وی منتقل شد، آمنه گفت:

چون عبدالله در آن هنگام با من همبستر شد، نوری از او ساطع گردید که آسمان‌ها و زمین را روشن کرد. (۱)

درباره زمان آغاز بارداری آمنه علیها السلام، گزارش‌های مختلفی رسیده است. یکی از آنها را ایام تشریق (یازدهم، دوازدهم و

سیزدهم ذی‌الحجه) در کنار جمره وسطی در خانه عبدالمطلب دانسته‌اند. (۲)

درحالی که اولاً: خانه عبدالمطلب نزدیک کعبه و زمزم بوده است. (۳)

ثانیاً: با توجه به ولادت پیامبر (ص) در ربیع الاول، مدت حمل آن حضرت باید سه

۱- الانوار، صص ۱۲۶ و ۱۲۷؛ حیاة القلوب، ج ۳، صص ۸۸ و ۸۹؛ تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۱۸۵.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۹؛ امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۶.

۳- ر. ک: فصلنامه میقات، شماره ۳، ص ۱۶۶.

ص: ۴۲

ماه یا یکسال و سه ماه باشد که چنین چیزی امکان ندارد. از این رو برخی دانشمندان سعی در حل این مشکل با کمک گیری از مسئله «نسیء» (۱) کرده‌اند و گفته‌اند: «احتمالاً حج آن سال در جمادی الاولی یا جمادی الثانیه واقع شده بود». (۲)

اما برخی از محققان به ردّ این داستان پرداخته‌اند؛ زیرا ورود این گونه روایات بر مبنای «نسیء»، نیازمند اثبات بوده و علاوه بر آن، تطبیق روایات و گزارش‌های تاریخی بر «نسیء» عملی غیر متعارف است. (۳)

شایان ذکر است برخی علاوه بر ایام تشریق آغاز بارداری را روز جمعه‌ای در ماه رجب و همچنین مکان را در شعب ابی طالب، عنوان نموده‌اند. (۴)

۱- یکی از موارد بدعت گذاری اعراب جاهلی «نسیء» است؛ به این معنا که برخی از ماه‌های سال را با یکدیگر جابه‌جا می‌کردند تا در نتیجه بتوانند ماه «حرام» را «حلال» اعلام کنند و از این طریق در ماه «حرام» نیز به جنگ، غارت یا شکار و غیره پردازند. السیره النبویه، ج ۱، ص ۶۷. برخی مفسران دلیل دیگری را نیز عنوان کرده‌اند که این رسم را عرب جاهلی به علت فراهم نبودن شرایط برگزاری حج در ماه «ذی حجه» پایه‌گذاری کرده، که در نتیجه در برخی از سال‌ها حج را به جا نمی‌آوردند و در برخی، سالی دو بار حج را به جا می‌آوردند؛ در المنشور، ج ۳، ص ۲۳۴.

۲- بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۱۵.

۳- ر. ك: الصحيح من سيرة النبي الاعظم ص ، ج ۲، صص ۶۴ و ۶۵.

۴- امتاع الاسماع، ج ۱، ص ۶.

بارداری آمنه عليها السلام

در مورد دوران بارداری و نیز تولد پیامبر (ص)، روایت‌های شگفت‌انگیز و خارق‌العاده‌ای در کتب تاریخی و روایی نقل شده که هر کدام به نوعی تصدیق‌کننده عظمت این بانویند. آمنه عليها السلام در خود احساس بارداری کرد، ولی نه آن گونه که در دیگران معمول بود؛ بی‌هیچ‌گونه احساس سنگینی و ناراحتی. از ایشان نقل شده است:

در دوران بارداری فرشته‌ای پیش من آمد و گفت: «تو به سرور این امت حامله شده‌ای» و این موضوع روز دوشنبه بود که پس از آن به بارداری خود یقین کردم و آن فرشته دیگر پیش من نیامد تا زمان وضع حمل. (۱)

«ابن اسحاق» می‌نویسد:

آمنه دختر وهب، گفته است «هنگامی که او به نبی اکرم (ص) حامله شد، مشاهده نمود که نوری از وی درخشید که به وسیله آن کاخ‌های بصری (۲) در سرزمین شام مشاهده گردیدند و به وی گفته شد:

- ۱- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۸؛ مشابه این روایت در منابع متعدد دیگری وجود دارد؛ از جمله: سیره ابن اسحاق، ج ۱، ص ۱۷۱؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۹؛ تاریخ طبری، ج ۲، ص ۱۶۱.
- ۲- شهری در چهار منزلی دمشق؛ ر. ک: تقویم البلدان، ص ۲۷۷.

ص: ۴۴

تو به سرور این امت حامله گردیده‌ای و هنگامی که پا به عرصه هستی گذاشت، بگو او را از شر هر حسودی در پناه خدا قرار می‌دهم و او را «محمد» نام گذاری کن. (۱)

«ابن سعد»، از امام باقر (ع) نقل کرده که فرموده است: «هنگامی که آمنه به رسول خدا (ص) باردار بوده، دستور داده شد که نامش را احمد بگذارد». (۲)

در روایتی از امام کاظم (ع) به نقل از امیرمؤمنان علی (ع) روایت شده که فرمود:

آمنه دختر وهب در عالم رؤیا مشاهده کرد که به وی گفته شد: «جنینی که به همراه داری از بزرگان است و پس از تولد اسمش را محمد بگذارد».

سپس حضرت علی (ع) فرمود:

خداوند اسمی از اسمای خویش را مشتق نمود؛ خداوند محمود است و نام وی را محمد (ص) انتخاب کرد. (۳)

همچنین در روایتی دیگر آمده است:

۱- سیره ابن اسحاق، ج ۱، صص ۱۷۱ و ۱۷۵؛ السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۱۶۶؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۹؛ اعلام النبوه، ماوردی، ص ۲۱۰.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۷۹.

۳- احتجاج طبرسی، ج ۱، ص ۳۲۱.

ص: ۴۵

در آن روز که نور محمدی در رحم آمنه خاتون قرار گرفت، حق سبحانه و تعالی، ملائکه را امر فرمود که تخت ابلیس را سرنگون کردند و ابلیس را به دریا انداختند و تا چهل روز او را غوطه دادند و چون ابلیس به هزار مکر و حيله خلاص شد، به کوهی که بلندترین کوه‌ها بود بر آمده و زار زار گریه کرد و فریاد کشید که به همه بلاد عالم فغان و فریاد او رسید و هر جا که لشکر او بود بروی جمع گردیدند و گفتند که ای مقتدا و پیشوای ما سبب ناله و زاری و باعث این همه بی‌قراری چیست و نگونساری بتان و تخت تو از برای کیست؟ شیطان گفت: «نزدیک است که پیغمبر آخرالزمان به ظهور آید و به هیچ وجه مکر و حيله ما بر او کارگر نیاید و عبادت لات و عزی باطل گردد و خلائق بت‌خانه‌ها را خراب کنند و ذکر رحمان و فرمان‌برداری پیغمبر آخرالزمان نمایند و من به واسطه نور محمدی که در پیشانی آدم بود، نافرمانی کردم و بر آدم سجده نبردم. از این جهت، از درگاه عزت دور افتادم و از بهر اظهار شرف و کمال مرتبه آن نور، مرا شیطان رجیم ساخت» (۱).

۱- آثار احمدی، احمد بن تاج الدین استرآبادی، صص ۳۵ و ۳۶.

ص: ۴۶

آمنه پیوسته نداها و بشارت‌ها را از میان زمین و آسمان می‌شنید و عبدالله را از آنها مطلع می‌کرد و عبدالله از او می‌خواست که آنها را بازگو نکند. سنگینی حمل، آمنه علیها السلام را نمی‌آزرد، بلکه هر روز بر زیبایی و شادابی و کمالش می‌افزود. (۱) روایت کرده‌اند هنگامی که نزدیک وضع حمل حضرت آمنه علیها السلام شد، به او ندا رسید:

مولود تو سالار این امت شود و چون به دنیا آمد، بگو وی را از شر حسودان، به خدای یگانه می‌سپارم. (۲)

۱- آثار احمدی، صص ۳۵ و ۳۶.

۲- انساب الأشراف، ج ۱، ص ۸۱؛ الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۷۹.

توطئه قتل حضرت آمنه علیها السلام

پس از آنکه حضرت آمنه علیها السلام به پیامبر ختمی مرتبت (ص) باردار شد، آتش حقد و حسد در برخی زبانه کشید و درصدد قتل حضرت آمنه برآمدند. در کتاب «الانوار» و نیز در حیات القلوب ماجرای نقل شده که خلاصه آن بدین قرار است:

زنی به نام «زرقاء» معروف به داهیة یمنی دریافته بود که گوهر نبوت در صلب عبدالله (ع) است. از این رو در سفری که عبدالله (ع) به یمین کرد، پیشنهاد همبستری به او داد و حضرت عبدالله از ارتکاب گناه به شدت پرهیز کرد. پس از آنکه متوجه ازدواج و بارداری حضرت آمنه (ع) شد، به مکه آمد و سعی کرد با تعریف از بنی هاشم و بشارت به میلاد پیامبر آخر الزمان نظر آنان را به خود جلب

ص: ۴۸

نماید. سپس با طرح دوستی با زنی به نام «تکنا» که آرایشگر زنان بنی‌هاشم بود، نظری را به خود جلب کرد و با پرداخت کیسه‌ای زر او را مأمور قتل حضرت آمنه عليها السلام نمود. تکنا به بهانه آراستن حضرت آمنه نزد وی رفت و خنجری مسموم با خود پنهان کرد. هنگامی که خواست نقشه شوم خود را عملی سازد، به اعجاز محمدی (ص) دلش درد گرفت و خنجر از دستش افتاد. حضرت آمنه متوجه شد و فریاد برآورد که در این حال به کمکش شتافتند. سپس تکنا ماجرا را بازگفت. بنی‌هاشم در پی «زرقاء» گشتند، ولی او گریخت. (۱)

۱- رک: الانوار، صص ۱۷۳ - ۱۷۷؛ حیاة القلوب، ج ۳، صص ۱۶۱ - ۱۶۵.

رحلت جانسوز همسر

هنگامی که پیوند زناشویی به مرحله بارداری و فرزندداری می‌رسد، بارقه‌های امید و نشاط و شادی محیط خانه و زندگی را روشن می‌کند. اگر در این ایام، زنی همسر خویش را از دست بدهد غصه و ماتمش دو چندان خواهد شد؛ زیرا از طرفی همسر محبوبش را از دست داده و از سوی دیگر باید فرزندی را بدون پدر سرپرستی کند.

دست تقدیر برای حضرت آمنه علیها السلام چنین روزگاری را رقم زده بود.

در گزارش تاریخی آمده که چون ماه هفتم داخل شد، عبدالمطلب عبدالله را طلب کرد و گفت: ای فرزند! ولادت فرزند آمنه نزدیک است و در دست ما نیست آنچه لایق ولیمه و عقیقه او باشد.

ص: ۵۰

باید به جانب مدینه بروی و آنچه برای ولیمه او مناسب و ضروری است، خریداری کنی. سپس عبدالله به سوی مدینه رفت و در همین مسافرت بر اثر بیماری جان سپرد. (۱)

البته روایت‌های دیگری نیز زمان وفات عبدالله را هفت ماه (۲) یا یک سال (۳) و یا بیست و هشت ماه (۴) پس از تولد پیامبر (ص) دانسته‌اند. (۵)

گویا این ازدواج تنها به این دلیل انجام شد، که عبدالله امانتی را که با خود همراه دارد، در وجود همسرش به ودیعت نهد و خداوند پس از آن، وی را به سوی خود ببرد.

تحمل مرگ عبدالله برای آمنه بسیار دشوار بود. آمنه از شنیدن این خبر گریه‌ها کرد و نوحه‌گری و عزاداری نمود. او در رثای همسر خود عبدالله بن عبدالمطلب، این ابیات را سرود:

۱- الانوار، ص ۱۷۹؛ تاریخ الامم والملوک، طبری، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۰.

۳- اسد الغابه، ابن اثیر جزری، ج ۲، ص ۱۱۳.

۴- دلائل النبوه، ابوبکر بیهقی، ج ۱، ص ۹۱؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۰.

۵- برخی، بیماری حضرت عبدالله را در شام و وفات او را در مدینه ذکر کرده‌اند. مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۷۴.

ص: ۵۱

عفا جانبُ البطحاء من ابن هاشم و جاور لحداً خارجاً فی الغماغم
 سرزمین بطحا، از وجود پسر هاشم خالی شد و او میان بانگ شیون در گوری خارج از این سرزمین آرמיד.
 دَعَتَهُ الْمَنایَا دَعْوَةً فَاجَابَهَا وَ مَا تَرَكَتْ فِی النَّاسِ مِثْلَ ابْنِ هَاشِمٍ
 مرگ از او دعوت کرد و دعوتش را پذیرفت، و مرگ هیچ‌گاه کسانی چون پسر هاشم را باقی نمی‌گذارد.
 عَشِيَّةً رَاحُوا يَحْمِلُونَ سَرِيرَةَ تَعَاوَرَهُ أَصْحَابُهُ فِی التَّرَاحِمِ
 شامگاهی دوستان او در میان ازدحام از این سو و به آن سو رفتند و تابوتش را به دوش کشیدند.
 فَان يَكُ غَالَتُهُ الْمَنایَا وَ رَيَّبُهَا فَقَدْ كَانَ مِعْطَاءً كَثِيرَ التَّرَاحِمِ (۱)
 هر چند مرگ و حادثه او را فرا گرفت، ولی چه بسیار بخشنده و پر مهر و محبت بود.

۱- الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۸۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۲.

میلاد مولود آمنه علیها السلام

سرانجام آمنه پاکدامن علیها السلام، فرزند مطهر خود را به دنیا آورد و بدین ترتیب، جهان با تابش خورشید این وجود مبارک، روشن شد. روایت‌هایی که در کتب تاریخ و سیره و حدیث به چشم می‌خورد، پُر است از رخدادهایی که در پی ولادت این مولود رخ داده یا با آن هم‌زمان بوده است.

مرحوم «کلینی» از امام صادق (ع) روایت می‌کند:

وقتی آمنه به درد زایمان مبتلا شد، فاطمه بنت اسد همسر ابوطالب، نزد وی آمد و پیش او ماند تا آنکه زایمان کرد. در این حال، یکی از آنها به دیگری گفت: «آیا آنچه من می‌بینم تو هم می‌بینی؟» او گفت: «چه می‌بینی؟» گفت: «این نوری که بین مغرب و مشرق درخشیده است». پس از آن،

ص: ۵۴

ابوطالب آمد و فاطمه برایش از نوری که دیده بود، تعریف کرد. ابوطالب گفت: «آگاه باش که به زودی فرزندی را به دنیا می‌آوری که وصی این مولود خواهد بود». (۱)

کتاب «شرف المصطفی» ماجرای میلاد پیامبر (ص) را از زبان حضرت آمنه چنین توصیف کرده است:

... روز دوشنبه بود و من تنها در خانه بودم و عبدالمطلب به طواف کعبه مشغول بود. صدایی بلند شنیدم و وحشت نمودم؛ چنان دیدم که پر مرغی بر دل من مالیدند و آن ترس از دل من رفت. نگریستم، نوشیدنی سپید دیدم که به من دادند. آن را نوشیدم. جماعتی از زنان را دیدم که در هیئت زنان و دختران عبد مناف گرد من آمدند و دیبایی سپید میان آسمان و زمین کشیدند و جماعتی از مردان را دیدم که در دست‌هایشان ابرق‌های سیمین بود و من عرق می‌کردم که از بوی مشک خوش‌تر بود و با خود می‌گفتم: «ای کاش عبدالمطلب می‌آمد». تعداد زیادی پرنده دیدم که سقف اتاقم (حجره) را پوشاندند. منقارهای آنان از زمرد و پرهایشان از یاقوت بود. سپس نگاه کردم،

۱- روضه کافی، ص ۳۰۲؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۲۳.

ص: ۵۵

درد زایمان مرا فرا گرفت؛ چنان بودم که به جماعتی از زنان پشت داده بودم. پس محمد (ص) به آسانی تولد یافت. چون بر او نگرستم او را دیدم که سر به سجده نهاده و انگشت به سوی آسمان برداشته همچون کسی که تضرع و ابتهال کند و سپس منادی آواز داد که محمد (ص) را بگردانید در مشرق و مغرب و... .

سپس حضرت آمنه تفصیل گوشه‌هایی از فضیلت‌های پیامبر اکرم (ص) را مطرح کرد. (۱)

در روایتی دیگر آمده است:

هنگام میلاد مولود آمنه، خداوند به ملائکه امر کرد تمامی درهای آسمان را بگشایند و همگی حضور یابند و تبریک و تبشیر به یکدیگر گویند. (۲)

علاوه بر روایات مذکور، روایات متعددی مبنی بر حضور فرشتگان هنگام وضع حمل آمنه علیها السلام وارد شده است تا جایی که گفته‌اند: «برده‌های بهشت بر هیچ زنی زده نشد، جز آمنه و مریم، و ملائکه بر زادن زنی

۱- شرف المصطفی، ابوسعید خرگوش نیشابوری، ج ۱، صص ۳۵۷ - ۳۶۰؛ شرف النبی، نجم الدین محمود راوندی، صص ۲۸ -

۳۱؛ مناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۵۳.

۲- امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۵۸.

ص: ۵۶

گماشته نشدند جز مریم و آمنه». (۱).

از این رو بعضی از منابع تاریخی، حضور فرشتگان هنگام میلاد پیامبر (ص) و دوران حمل حضرت آمنه علیها السلام را با حضرت مریم علیها السلام مقایسه کرده‌اند. (۲)

هنگامی که میلاد فرزند آمنه را به عبدالمطلب بشارت دادند، نزد وی رفت و به مولودش محبت کرد. آمنه علیها السلام آنچه در زمان حاملگی‌اش دیده و درک کرده بود و نیز دستورهایی که در مورد نام‌گذاری نوزادش به او داده شده بود را با عبدالمطلب در میان گذاشت. سپس عبدالمطلب نوه‌اش را در آغوش گرفت و به شکر و سپاس‌گزاری از خدای متعال پرداخت (۳) سپس او را به ارکان کعبه پناه داد و شعری سرود که ترجمه آن چنین است:

خدا را شکر که این طفل پاک و آراسته را به ما عنایت کرد؛ طفلی که در گهواره‌اش بر دیگران ترجیح و برتری دارد. (۴)

مطالبی که ذکر شد تنها گوشه‌ای از معجزات و

۱- معارف و معاریف، سیدمصطفی حسینی دشتی، ج ۱، ص ۴۰.

۲- امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۲۱۴.

۳- السیره النبویه، ج ۱، صص ۱۶۸ و ۱۶۹؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۸۲.

۴- «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعْطَانِي هَذَا الْغُلَامَ الطَّيِّبَ الْأَرْدَانِ قَدْ سَادَ فِي الْمَهْدِ عَلَى الْغُلَمَانِ». تفسیر قمی، ص ۳۴۹؛ اکمال الدین، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ج ۱، ص ۱۹۶؛ السیره الحلبیه، ج ۱، ص ۳۰؛ امالی، طوسی، ص ۱۷۱.

ص: ۵۷

امور شگفت‌انگیز درباره حضرت آمنه علیها السلام و مولود گرامش (ص) است.

یک محقق پژوهشگر دینی که ملتزم به احکام دین و قرآن و سنت است و در محیط دینی آموزش دیده و با قرآن و عترت به خوبی آشناست، می‌داند که بسیاری از افاضات خارق‌العاده‌ای که در مورد حضرت مریم علیها السلام، مادر موسی، مادر اسماعیل و اسحاق (علیهم السلام) اتفاق افتاده، از جمله اموری است که از تحلیل‌های عادی خارج است و نمی‌توان بدون در نظر داشتن عوامل غیبی، آنها را به خوبی بررسی کرد. در مورد پیامبر (ص) نیز چنین است؛ آفریننده، به گونه‌ای از ازل برنامه‌ریزی کرده که امور خارق‌العاده‌ای اتفاق افتد تا گل سرسبد هستی از دامان حضرت آمنه علیها السلام بشکفتد. این امور هرگز از حریم عقل دور نیست. البته باید به افسانه‌سرایی‌های عده‌ای در نقل‌ها دقت کافی داشت و قواعد پژوهش را رعایت کرد. ولی نباید تمامی نقل‌های امور غیبی را به صرف خارق‌العاده بودن آنها، نفی یا تکذیب کرد؛ کاری

که با تأسف عده‌ای از غرب‌زدگان، آن را انجام می‌دهند و می‌کوشند با مقایسه معجزات انبیا با قوانین تجربی و علمی طبیعت، حقیقت این امور خارق‌العاده را تکذیب یا خدشه‌دار کنند.

ص: ۵۹

زمان و مکان میلاد نبی اسلام (ص)

امامیه به استثنای عده بسیار کمی، اتفاق نظر دارند که فرزند آمنه علیها السلام در هفدهم ربیع الاول به دنیا آمده است (۱)، اما بیشتر اهل سنت بر این عقیده‌اند که تولد ایشان در دوازدهم این ماه بوده است. (۲) «یعقوبی» از امام صادق (ع) روایت کرده که بین ازدواج عبدالله با آمنه و ولادت رسول (ص)، ده ماه فاصله بوده است. (۳)

براساس گزارش‌های تاریخی، آمنه علیها السلام پس از ازدواج، به خانه عبدالله در شعب بنی هاشم رفت که بعدها به شعب ابی طالب معروف شد (۴) و فرزند خود را

- ۱- اعلام الوری، ص ۱۳؛ المناقب ابن شهر آشوب، ج ۱، ص ۱۷۲؛ بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۲۴۸.
- ۲- السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۶۷.
- ۳- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰.
- ۴- ر. ک: مکه در بستر تاریخ، صص ۶۳ و ۶۴.

ص: ۶۰

در همان جا به دنیا آورد. مرحوم «کلینی» می نویسد:

آمنه، مولود خود را در شعب ابی طالب در منزل «محمد بن یوسف» در گوشه سمت چپ آن به دنیا آورد که بعدها به نام مولدالنبی (ص) مشهور شد. (۱) خیزران همسر هارون الرشید، آن مکان را خرید و به مسجد تبدیل کرد که مردم در آن نماز می خواندند. (۲) البته درباره محل ولادت پیامبر (ص)، اختلاف نظرهایی نیز به چشم می خورد. (۳)

۱- کافی، ج ۱، ص ۴۹۹.

۲- همان.

۳- ر. ک: فصل نامه میقات، شماره ۲؛ محل ولادت رسول خدا ص، حمد الجاسی، ترجمه: رسول جعفریان، ص ۱۱۰.

دوران شیرخوارگی مولود آمنه علیها السلام

آمنه علیها السلام تنها سه (۱) یا هفت (۲) روز به فرزند خود شیر داد. پس از آن، مدت کوتاهی تُوَیِّبه او را شیر داد. (۳) آن گاه طبق عادت بزرگان عرب (۴) و به دستور عبدالمطلب، او را به «حلیمه سعدیه» از قبیله «بنی سعد بن بکر» سپردند که در بادیه زندگی می‌کرد. (۵)

در این باره که چرا پیامبر (ص) مدت کوتاهی از شیر مادر خود نوشید، دلایل متعددی ذکر کرده‌اند؛ از

- ۱- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۰؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶.
- ۲- امتناع الاسماع، ص ۵.
- ۳- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶؛ اعلام الوری، ص ۶.
- ۴- سیره حلبی، ج ۱، ص ۱۴۶.
- ۵- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷؛ السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۷۱؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۱۰.

ص: ۶۲

جمله خطر بیماری وبا(۱) و یادگیری زبان فصیح و اصیل عربی.(۲)

هنگامی که پیامبر (ص) به حلیمه سپرده شد، آمنه علیها السلام به وی گفت: «ای دایه مهربان! در مورد این پسر از من پرس که به زودی دارای شأن و منزلت خاصی خواهد بود».

بدین ترتیب، آنچه دیده و شنیده بود و اموری که هنگام تولد اتفاق افتاده بود را به اطلاع وی رساند. (۳) هنگامی که حلیمه، پیامبر (ص) را با خود برد، آمنه علیها السلام این اشعار را سرود که بیانگر طبع لطیف و ذوق زیبای اوست:

اعیذه بالله ذی الجلال

او را در پناه خداوند که دارای جلال است،

قرار می‌دهم از شر آنچه در کوهستان‌ها می‌گذرد؛

۱- شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۳؛ بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۴۰۱؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۰.

۲- ر. ک: السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۷۶؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۱۳؛ السیره الحلییه، ج ۱، ص ۱۴۶؛ الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص ۸۱.

۳- ر. ک: السیره النبویه، ج ۱، صص ۱۷۴ و ۱۷۵؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۲۰.

ص: ۶۳

امیدوارم او را در حالی بینم که بُردهای گران‌قیمت پوشیده و نسبت به بزرگان خوشرفتار و با همه مردم نیکو رفتار است. (۱)

حلیمه پس از دو سال، پیامبر (ص) را نزد مادرش آورد. (۲) در این مورد که آیا آمنه در طول این مدت ارتباط و دیداری با فرزند خود داشته یا خیر، مطلب یا گزارشی در دست نیست. البته برخی متون، در مورد یکی از شروطی که عبدالمطلب برای حلیمه تعیین کرده بود، نوشته‌اند که عبدالمطلب گفت: «در هر جمعه او را نزد من بیاور؛ زیرا من تاب مفارقت او را ندارم». حلیمه گفت: «چنین خواهم کرد». (۳)

از این شرط و با توجه به روحیه عرب در پابندی به عهد می‌توان نتیجه گرفت که حضرت عبدالمطلب در طول این دو سال بارها نوه‌اش را ملاقات کرده و بعید به نظر می‌رسد که وی نوه‌اش را دیدار کند، ولی آمنه فرزندش را ملاقات نکرده باشد. پس از گذشت دو سال، پیامبر را نزد مادرش آمنه آوردند.

۱- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۰.

۲- السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۷۳؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۰.

۳- حیاة القلوب، ج ۳، ص ۱۷۹.

ص: ۶۴

آمنه علیها السلام با توجه به علاقه شدیدی که به یگانه فرزند خود و یادگار همسر مهربانش داشت، از بیم شیوع وبا در مکه، مجبور شد فرزندش را به بادیه برگرداند. (۱)

در بعضی از متون آمده است: «حلیمه بار دیگر پیامبر (ص)، را در پنج سالگی به مکه آورد و به مادرش سپرد». (۲)
«ابن اسحاق» نقل کرده است:

وقتی حلیمه سعدیه، نبی اکرم (ص) را به سوی مکه آورد، او را میان مردم گم کرد و هر چه جست و جو کرد، نتوانست او را پیدا کند. به ناچار نزد عبدالمطلب آمد و ماجرا را نقل کرد. عبدالمطلب کنار کعبه رفت و از خدا درخواست نمود که نوه‌اش را به وی بازگرداند. پس از مدتی، دو نفر از قریشیان او را یافته، نزد عبدالمطلب آوردند. عبدالمطلب او را بر دوش خود نشانید و به دور کعبه طواف داد و برایش دعا کرد و سپس او را نزد مادرش آمنه فرستاد. (۳)

۱- السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۷۳؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۰.

۲- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۱.

۳- ر. ک: سیره ابن اسحاق، ص ۱۷۱؛ السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۷۶؛ الطبقات الکبری، ج ۱، صص ۹۰ و ۹۱.

ص: ۶۵

سفر به یثرب

پس از آنکه پیامبر (ص) به سن شش سالگی رسید، آمنه علیها السلام او را برای دیدار دایی‌های پدرش از بنی‌النجار و زیارت مرقد عبدالله به یثرب برد. (۱) البته در برخی منابع آمده است که آمنه علیها السلام پس از وفات همسرش هر سال برای زیارت قبر همسرش به مدینه می‌رفت. (۲) در این سفر «ام ایمن» هم حضور داشت و هر کدام یک شتر داشتند. آمنه علیها السلام در خانه «نابغه» که عبدالله در آنجا وفات کرده و به خاک سپرده شده بود، فرود آمد و به مدت یک ماه نزد آنها ماند. (۳)

۱- السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۷۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰؛ دلائل النبوه، ج ۱، ص ۱۲۱.

۲- ر. ک: انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۴؛ امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۳۴.

۳- همان.

ص: ۶۶

در این باره نوشته‌اند که پیامبر (ص) هنگام هجرت به مدینه، لحظه‌ای که چشمش به محله بنی‌النجار افتاد، فرمود: «مادرم همین جا مرا همراه خود آورد و در اینجا، قبر پدرم واقع شده است» [\(۱\)](#).

۱- السیره الحلییه، ج ۱، ص ۵۰.

ص: ۶۷

وفات مادر

آمنه علیها السلام در راه بازگشت از یثرب به مکه، در ابواء(۱) به علت بیماری در گذشت(۲) و در همان جا به خاک سپرده شد.(۳) البته برخی روایت‌ها محل دفن ایشان را در «مقبره حجون»(۴) یا «مقبره معلا»(۵) و نیز «شعب ابی ذر»(۶) و «شعب ابی الذب»(۷) - که هر چهار مورد در

- ۱- ابواء در ۴۵ کیلومتری جحفه از سمت مدینه واقع شده است. ر. ک: تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره، ص ۱۶۶؛ معجم البلدان، ج ۱، ص ۱۰۲؛ معالم الاثیره، ص ۱۷؛ شرف النبی، ص ۱۸۸؛ تاریخ الامم و الملوک، ج ۲، ص ۱۶۵.
- ۲- السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۷۷؛ تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰؛ اعلام الوری، ص ۱۷.
- ۳- الطبقات الکبری، ج ۱، صص ۹۳ و ۹۴؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۴.
- ۴- تقویم البلدان، ج ۱، ص ۷۴.
- ۵- همان.
- ۶- السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۷۷.
- ۷- شرف النبی، ص ۱۸۸؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۵.

ص: ۶۸

مکه واقع شده‌اند - دانسته‌اند. البته قول اول (ابواء) مشهورتر است. (۱)

آمنه هنگام وفاتش درحالی که در بستر مرگ بود، به رسول خدا (ص) نگاه می‌کرد و در همان حال اشعاری می‌سرود که ترجمه آن چنین است:

ای پسر! خداوند وجود تو را مایه برکت قرار دهد. ای فرزند شخصی که کبوتران [برای به دست آوردن غذا] نزد او ازدحام می‌کردند؛ به یاری خداوند آگاه، پیروزی از آن تو گردد؛ تو به سوی مردم به پیامبری مبعوث می‌گردی؛ تو به حقیقت و اسلام برانگیخته می‌شوی و در مکه و خارج از مکه دین پاک پدرت ابراهیم (ع) را بر پا می‌داری. (۲)

آمنه علیها السلام در لحظه‌های آخر عمر گفت:

هر زنده‌ای سرانجام می‌میرد و هر تازه‌ای کهنه

۱- در شواهد تأییدکننده قول اول دفن در ابواء می‌توان به ماجرای نبش قبر و عمره حدیبیه استناد نمود.

۲- بارک فیک الله من غلام یا بن الذی من حومه الحمام نجا بعون الملك العلام فانت مبعوث الی الانام تبعث بالتحقیق و الاسلام تبعث فی الحل و فی الحرام دین ایبک الطهر ابراهام تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۲۹؛ ترجمه کحل البصر، ص ۵۷.

ص: ۶۹

می‌شود و هر بزرگی فانی می‌گردد و من می‌میرم و یادم در خاطره‌ها باقی می‌ماند. من وجود نیک و ارجمندی را به یادگار گذاشتم و فرزند برومندی را آوردم. (۱)

سخنان آمنه هنگام وفاتش، افزون بر دلایل بسیاری که برخی از آنها را آوردیم، حاکی از ایمان او به توحید و رسالت پیامبر (ص) است. برخی وفات آمنه علیها السلام را در چهار سالگی پیامبر (ص) ذکر کرده‌اند (۲) و برخی شش سالگی (۳).

تا زمان دولت عثمانی بقعه‌ای روی قبر حضرت آمنه موجود بوده که در زمان تسلط وهابیون تخریب شد. (۴) نقل کرده‌اند که حضرت آمنه علیها السلام هنگام وفاتش، سی سال داشته است. (۵)

۱- تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۳۹.

۳- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰.

۴- آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۹۲.

۵- تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰.

ص: ۷۱

پس از وفات آمنه علیها السلام**اشاره**

پس از درگذشت آمنه علیها السلام، محبت و دلسوزی عبدالمطلب به پیامبر (ص) بیشتر شد. (۱)

نیش قبر آمنه علیها السلام

مشرکان در ابواء و در مسیر حرکتشان به سوی احد، بر آن شدند تا قبر آمنه علیها السلام را نیش کرده و باقیمانده جنازه او را به گروگان و برای تضمین و حفظ زنان خویش با خود ببرند. اما پس از رایزنی ابوسفیان با قریش، از بیم آنکه مبادا دیگران نیز با بزرگان آنها چنین کنند، از این تصمیم صرف نظر کردند. (۲)

۱- ر. ک: السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۷۸؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۸؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۵.

۲- مغازی، ج ۱، ص ۲۸۰؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۹۴.

ص: ۷۲

عمره حدیبیه و زیارت قبر مادر در ابواء

پیامبر (ص) هنگام بازگشت از حدیبیه از نقطه ابواء عبور کرد و فرمود: «خداوند اجازه فرموده که قبر مادرم را زیارت کنم» و کنار قبر مادر خود آمد و آن را اصلاح کرد و گریست. مسلمانان هم گریستند و گفتند: «چرا می‌گریید؟» فرمود: «به یاد مهربانی او افتادم و گریستم». (۱)

۱- الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۹۴.

ص: ۷۳

فضایل آمنه علیها السلام**اشاره**

فضایل بی‌شماری را می‌توان برای حضرت آمنه علیها السلام برشمرد؛ از جمله:

مادری خاتم الانبیاء (ص)

در مورد فضیلت‌های آمنه علیها السلام، همین بس که خداوند افتخار مادری پیامبر ختمی مرتبت (ص) را به وی بخشید. در این مورد گزارش‌های تاریخی و حدیثی فراوانی وجود دارد که البته ما به تعدادی از آنها بسنده می‌کنیم:

پیامبر (ص) فرمود: «بهترین رحم مادر من است». [\(۱\)](#) همچنین در نقلی دیگر فرمود: «او بهترین مادران است». [\(۲\)](#)

در نقلی دیگر چنین آمده است:

خدای تعالی، آمنه را نوری و عفاف و کمالی

۱- ر. ک: جلاء العیون، صص ۲۹۴ و ۲۹۵.

۲- دلائل الامامة، ص ۵۹؛ جامع الاخبار، ص ۱۵.

ص: ۷۴

گران‌قدر بداد که در تمامی قوم برتر از او کسی نبود تا حق تعالی دستور داد نور مصطفی را بدو انتقال کردند. (۱)

کرامت نفس

حضرت عبدالمطلب در توصیف ایشان فرمود: «کریمه من کرائم قومی» (۲)؛ «دختری عقیف و شریف از اقوام من است».

شرافت و مکانت نسب

ابن اسحاق در وصف ایشان می‌نویسد: «آمنه بهترین زنان قریش از جهت شرافت و جایگاه خانوادگی بود». (۳)

نزول ملائکه هنگام وضع حمل وی

کعب الاحبار گفته است:

من هفتاد و دو کتاب خوانده‌ام که همه از آسمان فرود آمده است و در همه کتاب‌ها، هنگام ولادت هیچ پیغمبری ملائکه نازل نشدند، به غیر عیسی (ع) و احمد (ص) و حجاب‌های بهشت را نزدند برای زنی، به

۱- شرف النبی، ص ۲۶.

۲- اعلام النبوه ماوردی، ص ۱۷۹؛ اعلام الوری، ج ۱، ص ۶۱؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۳، ص ۴۴۹.

۳- سیره ابن اسحاق، ج ۱، ص ۱۶۵.

ص: ۷۵

غیر از مریم و آمنه علیها السلام و ملائکه موکل نشدند بر زنی در وقت حامله بودن، به غیر مریم علیها السلام و آمنه علیها السلام. (۱)

محدثه

«وی محدثه بود و ملائکه با او سخن گفتند». (۲)

فراست و هوشیاری و نیکویی بیان

«كَانَتْ أَفْضَلَ امْرَأَةٍ فِي قَرِيشَ نَسَبًا وَمَكَانَةً، إِمْتَازَتْ بِالذِّكَاةِ وَحُسْنِ الْبَيَانِ» (۳)؛ «وی برترین و بافضیلت‌ترین زنان قریش از جهت جایگاه خانوادگی و نسب بود و به فراست و هوشیاری و نیکویی بیان، ممتاز بود».

اشعار در مدح حضرت آمنه علیها السلام

از زمان پیامبر اکرم (ص) تاکنون اشعار فراوانی در مدح ایشان سروده شده است؛ از جمله به دو شعر عربی و دو شعر فارسی اشاره می‌کنیم:

حسان بن ثابت شاعر معروف زمان پیامبر (ص) در قصیده‌ای در مدح پیامبر (ص) و مادر ایشان اینچنین سروده است:

۱- امتاع الاسماع، ج ۴، ص ۲۱۴؛ حیاة القلوب، ج ۳، ص ۱۳۵؛ جلاء العیون، صص ۷۱ و ۷۲؛ حلیة الابرار، ج ۱، ص ۲۶.

۲- سیره حلبیه، ج ۱، ص ۶۹.

۳- سبل الهدی، ج ۱، ص ۱۲۷.

ص: ۷۶

یا بکر آمنه المبارک ذکره ولدته محصنه بسعد الاسعد(۱)
ای برومند پسر آمنه فرخنده پی که در کمال پاکدامنی فرزند خود را در برج سعادت بزاد.

فمن مثل عبدالله خیر لداته و آمنه فی خیر ضنء و منصب(۲)
پس چه کسی مانند عبدالله، بهترین کفو و همراه و مثل آمنه در بهترین اصل و اساس و مقام و جایگاه است.

ز پشت بت شکن قوم و نام «عبدالله» همه بزرگ نیاکانش پاک و دین پرور
سزای همسری اش آمنه که چشم عفاف به پاکدامنی او ندیده بود بُد همسر
ز مادر و پدری پاک آیین نثار دامن هستی شد آن یگانه گهر(۳)

۱- الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۴۶.

۲- الاکتفاء، ج ۱، ص ۲۶.

۳- بانگ تکبیر، ص ۴۲.

ص: ۷۷

مادر و آمنه آن با وفا

آن که باشد معدن سعی و صفا

بی گمان باشد زنی پاک و عقیف

در میان مکیان باشد شریف

ذکر نام آمنه علیها السلام در زیارت‌نامه‌ها

در زیارت مخصوص خود حضرت، چنین آمده است:

السَّلَامُ عَلَيْكِ أَيُّهَا الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا مَنْ حَصَّهَا اللَّهُ بِأَعْلَى الشَّرَفِ، السَّلَامُ عَلَيْكِ يَا مَنْ سَطَعَ مِنْ جَبِينِهَا نُورٌ سَيِّدِ
الْأَنْبِيَاءِ. (۱)

سلام بر تو ای پاکیزه پاکیزه شده، سلام بر تو ای کسی که به بالاترین درجه شرف از جانب خدا انتخاب شدی. سلام بر تو ای کسی که نور سید انبیا از پیشانی‌ات ساطع شد.

در زیارت پیامبر (ص) از نزدیک یا دور نیز چنین وارد شده است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ... وَعَلَى أُمَّكَ آمَنَةً...» (۲)؛ «سلام بر تو و بر اهل بیت... و بر مادرت آمنه».

ذکر نام آمنه علیها السلام در حرزهای مربوط به پیامبر (ص)

خداوند متعال برای حفظ پیامبر (ص) حرزی به وی

۱- ادعیه و آداب حرمین، ص ۴۲۲.

۲- المزار فی کیفیت زیارات النبی و الائمه علیهم السلام، شهید اول، ص ۱۱؛ مفاتیح الجنان، ص ۳۲۰.

ص: ۷۸

آموخت که قسمتی از آن چنین است: «أَعُوذُكَ بِالوَاحِدِ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ قَائِمٍ أَوْ قَاعِدٍ وَكُلِّ خَلْقٍ رَائِدٍ . . .» (۱).
 نام ایشان به عنوان مادر پیامبر (ص) در حرز پیامبر (ص) آمده است: «أُعِيذُ مُحَمَّدَ بْنَ آمَنَةَ بِالوَاحِدِ مِنْ شَرِّ كُلِّ حَاسِدٍ . . .» (۲).

توسل به حضرت آمنه علیها السلام (مشکل‌گشای امور مالی)

در حدیث معتبری منقول است که «داود رقی»، به خدمت حضرت صادق (ع) آمد و عرض کرد: «به مردی مال دادم و می‌ترسم به دست من نیاید». حضرت فرمود:

چون به مکه روی، یک طواف با دو رکعت نماز به نیابت عبدالمطلب بکن و یک طواف دیگر با دو رکعت نماز به نیابت ابوطالب بکن و یک طواف دیگر با دو رکعت نماز به نیابت عبدالله بکن و همچنین برای آمنه مادر حضرت رسول (ص) و فاطمه مادر امیر مؤمنان (ع) به‌جا آور.

چون چنین کردم در همان روز مال به دستم آمد. (۳)

۱- مهج الدعوات، ص ۳.

۲- همان، ص ۴.

۳- اصول کافی، ج ۴، ص ۵۴۴؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰.

ص: ۷۹

کتابنامه

* قرآن کریم.

۱. آثار احمدی، تاریخ زندگانی پیامبر اسلام و ائمه اطهار (علیهم السلام)، احمد بن تاج‌الدین استرآبادی، چاپ اول، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۴ ه. ش.
۲. آثار اسلامی مکه و مدینه، رسول جعفریان، تهران، مشعر.
۳. اثبات الوصیه، مسعودی، قم، انتشارات رضی (افست).
۴. الاحتجاج، احمد بن علی طبرسی، چاپ اول، مشهد، ۱۴۰۳ ه. ق.
۵. اسد الغابه، ابن اثیر جزری، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد هرفی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۶. الاعتقادات فی دین الامامیه شیخ صدوق، تحقیق: عصام عبدالسید دارالمفید، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۱۴ ه. ق.
۷. اعلام النبوة، ابو حاتم رازی، چاپ دوم، تهران، مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱ ه. ش.
۸. اعلام النبوة، ماوردی، اول، بیروت، دارالمکتبه الهلال، ۱۴۰۹ ه. ق.

ص: ۸۰

۹. إعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن حسن طبرسی، تحقیق: سید حسن خراسانی، دارالکتب الاسلامیه.

۱۰. الاعلام، شیخ مفید، تحقیق: شیخ محمد حسون، چاپ دوم، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ه. ق.

۱۱. الاکتفاء و بما تَضَمَّنَه من مغازی رسول الله (ص) والخلفاء الثلاثة، ابوالربیع حمیری کلاعی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ه. ق.

۱۲. اکمال الدین، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۵ه. ق.

۱۳. امالی، ابی جعفر محمد بن حسن طوسی، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۱ه. ق.

۱۴. امالی، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، بیروت، الاعلمی، ۱۴۰۰ه. ق.

۱۵. امتاع الاسماع بما للنبی (ص) من الاحوال و الاموال، تقی الدین مقریزی، تحقیق: محمد عبدالحمید نمیسی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ه. ق.

۱۶. انساب الاشراف، احمد بن عیسی بلاذری، تحقیق: سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ه. ق.

۱۷. الانوار فی مولد النبی محمد (ص)، ابوحسن عبدالله بکری، تحقیق: فضال محمد علی، بیروت، موسسه الاعلمی، ۱۴۲۰ه. ق.

۱۸. بانگ تکبیر، تهران، حسینیه ارشاد، ۱۳۴۷ه. ش.

۱۹. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، [دارالکتب الاسلامیه تهران]، ۱۴۰۳ه. ق.

ص: ۸۱

۲۰. البداية و النهاية، اسماعيل بن كثير دمشقى، تحقيق: على شيرى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ۱۴۰۸هـ. ق.
۲۱. البرهان فى تفسير القرآن، سيد هاشم بحراني، تهران، ستاد بعثت، ۱۴۱۶هـ. ق.
۲۲. تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الاعلام، شمس الدين ذهبى، چاپ دوم، بيروت، دارالكتب العربى، ۱۴۰۹هـ. ق.
۲۳. تاريخ الامم و الملوك (تاريخ الطبرى)، محمد بن جرير طبرى، تحقيق: محمد ابوالفضل ابراهيم، بيروت، دارالتراث العربى.
۲۴. تاريخ الخميس فى احوال النفس النفيس، شيخ حسين دياربكرى، بيروت، دارالصادر، بى تا.
۲۵. تاريخ مدينة دمشق، ابوالقاسم على بن حسن (ابن عساكر)، تحقيق: على شيرى، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۷هـ. ق.
۲۶. تاريخ منظوم چهارده معصوم، مجتبى رضائزاد، چاپ اول، تهران، صهبای اهل بيت، ۱۳۸۱هـ. ش.
۲۷. تفسير القمى، على بن ابراهيم بن هاشم قمى جزايرى، چاپ سوم، قم، ۱۴۰۴هـ. ق.
۲۸. التفسير الكبير، فخر رازى، چاپ سوم، بيروت، دار احياء التراث.
۲۹. تفسير فرات الكوفى، فرات بن ابراهيم كوفى، چاپ اول، تهران، وزارت ارشاد، ۱۴۱۰هـ. ق.
۳۰. تنقيح المقال، عبدالله مامقانى، قم، مرتضويه، بى تا.
۳۱. حياة القلوب، محمداقبر مجلسى، تحقيق: سيد على اماميان، چاپ دوم، انتشارات سرور، ۱۳۷۸هـ. ش.

ص: ۸۲

۳۲. الخرائج و الجرائج، قطب الدین راوندی، چاپ اول، مؤسسه الامام المهدی، ۱۴۰۹ ه. ق.
۳۳. دایره المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر: سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران، مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۷ ه. ش.
۳۴. دلائل النبوة و معرفة احوال صاحب الشریعه، ابوبکر بیهقی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ه. ق.
۳۵. الروض الانف فی شرح السیره النبویه، عبدالرحمان سهیلی، چاپ اول، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ه. ق.
۳۶. سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، محمد بن یوسف صالحی دمشقی، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ ه. ق.
۳۷. السیره الحلبیه، علی بن برهان الدین حلبی، به کوشش: مصطفی السقا و دیگران، بیروت، المكتبة العلمية.
۳۸. سیره المصطفی نظره جدیده، هاشم معروف الحسنی، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۱۶ ه. ق.
۳۹. السیره النبویه، ابن هشام، تحقیق: مصطفی السقا و دیگران، مصر، افست ایران، ۱۳۶۳ ه. ش.
۴۰. شرح نهج البلاغه، عزالدین عبدالحمید (ابن ابی الحدید)، مصر، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۷۸ ه. ق.
۴۱. شرف المصطفی، ابوسعید خرگوشی نیشابوری، چاپ اول، مکه، دارالبشائر الاسلامیه، ۱۴۲۳ ه. ق.

ص: ۸۳

۴۲. شرف النبی، نجم الدین محمود راوندی، ترجمه: شرف المصطفی، تهران، بابک، ۱۳۶۱ ه. ش.
۴۳. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دارالفکر.
۴۴. الصحیح من سیره النبی الاعظم (ص)، سیدجعفر مرتضی عاملی، بیروت، دارالسیره.
۴۵. الطبقات الکبری، محمد بن سعد، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۴۶. علل الشرایع، شیخ صدوق، تصحیح: شیخ حسین اعلمی، بیروت، الاعلمی، ۱۴۰۱ ه. ق.
۴۷. عیون الاثر، ابن سید الناس، چاپ اول، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۴ ه. ق.
۴۸. فرائد السمطین، ابراهیم بن محمد الجوینی، تصحیح: شیخ محمد باقر محمودی، چاپ اول، بیروت، ۱۳۹۸ ه. ق.
۴۹. فصل نامه میقات، حج و زیارت.
۵۰. الفوائد الکامنه فی ایمان السیده آمنه والتعظیم والمنة فی أن ابوی مصطفی فی الجنه، جلال الدین سیوطی، قاهره، مکتبه القرآن، ۱۳۱۷ ه. ق.
۵۱. کحل البصر، سیمای پرفروغ محمد، شیخ عباس قمی، ترجمه: محمدی اشتهاری، چاپ اول، قم، انتشارات ناصر، بهار، ۱۳۷۰ ه. ش.
۵۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، علامه طبرسی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۲ ه. ش.

ص: ۸۴

۵۳. المزار فی کیفیت زیارات النبی والائمة (علیهم السلام) ، شهید اول، چاپ اول، قم، مؤسسه امام مهدی، ۱۴۱۰هـ. ق.
۵۴. معالم الاثر فی السنه والسیرة، محمد حسن شراب، چاپ اول، بیروت، دارالقلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۱هـ. ق.
۵۵. معجم اعلام شعراء المدح النبوی، محمد احمد، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۱هـ. ش.
۵۶. معجم البلدان، یاقوت حموی، بیروت، دار صادر، ۱۳۹۹هـ. ق.
۵۷. المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ابن جوزی (ابوالفرج) ، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲هـ. ق.
۵۸. مهج الدعوات، سید بن طاووس، چاپ اول، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱هـ. ق.
۵۹. نقد و بررسی گزارش‌های زندگانی پیش از بعثت پیامبر (ص) ، رمضان محمدی، چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷هـ. ش.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

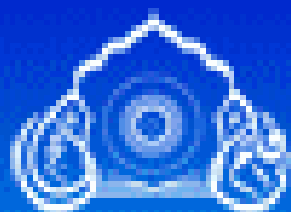
ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

